

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

موضوع: علل و ریشه‌های واقعه عاشورا در بیان حضرت سیدالشهداء (۲)

(سخنرانی در حرم مطهر حضرت معصومه به مناسبت اربعین حسینی)

فهرست مطالب این سخنرانی:

علل و ریشه‌های دخیل در واقعه عاشورا در کلام سیدالشهدا (سلام الله علیه)

شخصیت پلید «یزید» از زبان علمای سرشناس اهل سنت

عامل ششم: دور شدن از امام حق و گرایش به امام باطل

ملاقات جالب علامه امینی با معاون دانشگاه بغداد

عامل هفتم: خلافت آل ابی سفیان بر جامعه اسلامی

تذکر ماندگار و عجیب امام حسین در روز عاشورا

لعن «یزید» حرام است زیرا همه مقدسات ما را به باد میدهد!!

عامل هشتم: انتقام از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

ذکر مصیبت حضرت علی اصغر (سلام الله علیه)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

ما در جلسه گذشته بحثی را در رابطه با علل و ریشه‌های عاشورا آغاز کردیم و روی این بحث کردیم که چه اتفاقاتی در طول این پنجاه سال بعد از رحلت نبی گرامی اسلام افتاد، و چه عواملی دست به دست هم داد تا بخشی از مسلمانان که خود را مسلمان به حق هم می‌دانستند، در قتل فرزند رسول الله این چنین شرکت کردند و مظلومانه آن بزرگوار را به شهادت رساندند.

علل و ریشه‌های دخیل در واقعه عاشورا در کلام سیدالشهدا (سلام الله علیه)

کسانی که در کربلا حضور داشتند، کسانی نبودند که از اسلام بی‌اطلاع باشند، از معارف دینی بی‌خبر باشند یا نسبت به ساحت مقدس سرور آزادگان، آگاهی کامل نداشته باشند.

همه می‌دانستند که سرور آزادگان، حضرت حسین بن علی (علیه السلام) فرزند پیغمبر اکرم و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است. همگان می‌دانستند و بارها شنیده بودند که پیغمبر اکرم فرموده بود:

«الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة»

حسین و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۸۲، ح ۴۷۷۹

لذا سؤال این است که چه عواملی دست به دست هم داد که این اتفاق ناگوار افتاد؟ عرض کردم بهترین راه برای حل این معما بررسی سخنان امام حسین در کربلا در روز عاشورا و قبل از عاشورا و سخنان کسانی است که در عرصه کربلا حضور داشتند و برای قتل امام حسین خود را آماده کرده بودند.

مقایسه این دو سخن ما را به بسیاری از مسائل مطلع می‌کند و بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ را حل می‌کند. دیشب دو سه فراز از فرمایشات امام حسین (علیه السلام) را بیان کردیم و عرض کردیم که حضرت در برابر سپاهیان عمر بن سعد فرمود:

«وإن هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان وتركوا طاعة الرحمن»

این جامعه پیرو اطاعت از شیطان هستند و اطاعت از خداوند را رها کردند.

حضرت به صراحت فرمودند: کسانی که به جنگ من آمدند چند ویژگی دارند. اینها پیرو شیطان هستند، اینها اطاعت الهی را رها کردند و به جای «عباد الرحمن»، «عباد الشيطان» شدند.

«وأظهروا الفساد وعطلوا الحدود واستأثروا بالفىء»

امروز در جامعه اسلامی فساد گسترده شده و حدود الهی به فراموشی سپرده شده است.

این افراد کسانی هستند که تمام سعی خود را در گسترش فساد به کار گرفتند و در تعطیل حدود الهی و ترک اوامر و واجبات الهی و ارتکاب گناه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. حضرت سپس می‌فرماید:

«وأحلوا حرام الله وحرموا حلاله»

این حکومت حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند.

الكامل في التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن أبي الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٥ هـ، الطبعة: ط ٢، تحقيق: عبد الله القاضي، ج ٣، ص ٤٠٨، باب ثم دخلت سنة إحدى وستين ذكر مقتل الحسين رضي الله عنه

وقتی جامعه‌ای دارای این ویژگی‌ها باشد، دیگر قتل امام حسین و اسارت فرزندان آن بزرگوار برای آنها مسئله‌ای سهل و ساده است.

عرض کردم این مطلب نه در کتب شیعه، بلکه در معتبرترین کتاب‌های تاریخی اهل سنت همانند «الكامل» اثر «ابن اثیر» جلد ٣ صفحه ٤٠٨ و «معجم الكبير» اثر «طبرانی» و «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» وارد شده است و همگی این عبارت را نقل کردند.

نکته دوم این است که امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید:

«أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يَغْمَلُ بِهِ»

آیا نمی‌بینید در این جامعه به حق عمل نمی‌شود و حق مورد غفلت قرار گرفته است؟

«وَالْبَاطِلَ لَا يَنْتَاهِي عَنْهُ»

مردم در عمل به باطل از همدیگر سبقت می‌گیرند.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -

الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٣، ص ١١٤، ح ٢٨٤٢

حضرت به صراحت فرمودند: جامعه ما جامعه‌ای است که حق با باطل جای خود را عوض کرده است. مردم به جای آنکه «حق محور» باشند، «باطل محور» هستند و به جای آنکه «حق جو» باشند «باطل جو» هستند.

در جامعه‌ای که حق و باطل جای خود را عوض کرده است، کشتن حضرت سیدالشهدا یک مسئله عادی و طبیعی خواهد بود. یکی از علل و ریشه‌های عاشورا همین قضیه است که حقایق در این جامعه رخت بر بسته و به جای آن باطل نشست است.

عبارتی از «ابن اعثم کوفی» مورخ نامی اهل سنت متوفای ۳۱۴ هجری در قرن سوم و چهارم اشاره کردیم. او جزو کسانی است که قبل از «طبری» متوفای ۳۱۰ هجری یا «ابن اثیر» متوفای ۶۳۰ هجری یا «ابن کثیر دمشقی» متوفای ۷۷۴ هجری، کتاب تاریخ نوشته است.

به بیان دیگر تاریخ «ابن اعثم کوفی» مصدر برای مورخین بعد است. ایشان در کتاب تاریخ خود که آن را «الفتوح» نامگذاری کرده است، جلد پنجم صفحه ۱۷ نکاتی را مطرح می‌کند که شاید این نگاه «ابن اعثم کوفی» بسیاری از سؤالات ما را پاسخ بدهد که علت و ریشه عاشورا چه بود؟

شخصیت پلید «یزید» از زبان علمای سرشناس اهل سنت

در این کتاب وارد شده است که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌فرماید:

«وعلى الإسلام السلام إذ قد بليت الأمة براع مثل يزيد»

فاتحه اسلام با حاکم شدن شخصی همانند یزید خوانده می‌شود.

در جامعه‌ای که حاکمی مانند «یزید» به عنوان خلیفه مسلمین یا «خلیفة الله» باشد، باید در آن جامعه فاتحه اسلام خوانده شود.

در این جامعه به جای فرزندان و اوصیاء پیغمبر اکرم که رسول الله از روز اول بعثت تا آخرین لحظه حیاتش بر مسئله خلافت و امامت و وصایت و قضیه ثقلین تأکید داشت و مهمترین دغدغه پیغمبر اکرم در حال حیاتش، ولایت حاکمان عادل بود، یزید حکومت می‌کرد.

دغدغه رسول الله ولایت حاکمانی معصوم بود که علومشان از سرچشمه وحی گرفته شده است، اما آن بزرگواران کنار گذاشته شدند و به جای آن حاکمانی به نام یزید بن معاویه روی کار آمدند. یکی از علل و ریشه‌های عاشورا روی کار آمدن شخصی مانند یزید بود.

«ذهبی» متوفای ۷۴۸ هجری با اینکه با شیعه بنای ناسازگاری دارد و رکیک‌ترین عبارت‌ها را نثار علمای شیعه می‌کند و در کتاب «سیر أعلام النبلاء» و «تاریخ الإسلام» مورد مناقشه قرار می‌دهد، وقتی به یزید می‌رسد می‌گوید:

«وكان ناصبياً فظاً غليظاً جلفاً يتناول المسكر ويفعل المنكر»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج ۴، ص ۳۷

و یا «ابن سعد» در «الطبقات الكبرى» می‌نویسد:

«إن رجلاً ينجح الأمهات والبنات والأخوات ويشرب الخمر ويدع الصلاة»

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر - بيروت؛ ج ۵، ص ۶۶

«یزید»، شراب‌خوار، میمون‌باز و ناصبی است و کسی است که ازدواج با مادر و دختر و خواهر را مباح می‌داند!! در جامعه‌ای که چنین حاکمی بر آن سیطره پیدا کند، دیگر قضیه قتل حضرت سیدالشهداء مسئله ساده و آسان خواهد بود.

در جلسه گذشته به پنج عامل از علل و ریشه‌های دخیل در واقعه عاشورا در کلام سیدالشهدا (سلام الله علیه) اشاره کردیم.

عامل ششم: دور شدن از امام حق و گرایش به امام باطل

سرور آزادگان در این خطبه و این سخنش، یکی دو نکته اساسی دارد که این نکات اساسی، ما را کاملاً به ریشه‌های عاشورا رهنمون می‌کند. نکته دیگر این است که می‌فرماید:

«والحق فينا وبالحق تنطق ألسنتنا»

الفتوح؛ أحمد بن أعثم الكوفي، تحقيق: علي شيري، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱، ناشر: دار الأضواء

للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۵، ص ۱۷، باب ذكر الكتاب إلى أهل البيعة بأخذ البيعة

حضرت به صراحت می‌فرماید: اگر کسی حق محور و حق جوست، حق جز خاندان ما در هیچ جا پیدا نمی‌شود. اگر کسی به دنبال سخنان حق است، غیر از زبان ما از هیچ زبانی بیرون نمی‌آید.

«والحق فينا»

ببینید چه جمله زیبایی است! همان جمله‌ای است که بزرگان اهل سنت در منابع متعدد آن را نقل کردند. «حاکم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۱۵۴ و «ابن عساکر» در کتاب «تاریخ مدینه دمشق» چندین روایت در این زمینه نقل می‌کند.

همگان نقل کردند که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

« عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ »

حق با علی است و علی با حق است.

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت؛ ج ۱۴، ص ۳۲۰

به فرموده رسول گرامی اسلام هرکجا علی قدم بگذارد، حق هم همانجا قدم می‌گذارد.

ملاقات جالب علامه امینی با معاون دانشگاه بغداد

قضیه‌ای یک مرتبه به ذهنم آمد که برایتان نقل می‌کنم. عزیزان پژوهشگر به این نکته دقت کنند، زیرا این نکته می‌تواند آغاز پژوهش در این زمینه باشد. بنده ندیدم کسی از بزرگان ما روی این موضوع کاوش‌هایی زیبنده مقام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) کرده باشد.

در شرح حال زندگی «مرحوم علامه امینی» آورده‌اند که ایشان نقل می‌کند: زمانی که «الغدیر» را می‌نوشتم، شنیدم آقای «دکتر اعظمی» معاون دانشگاه بغداد کتابی درباره علی بن ابی طالب نوشته است و اشعاری درباره آن حضرت سروده است.

من خیلی دوست داشتم با ایشان ملاقات کنم و با کتاب و اشعارش آشنا شوم. جستجو کردم که چگونه می‌شود با او دیدار کرد.

شنیدم که ایشان دارای مقام و رتبه عالی است، به طوری که دسترسی به او به این سادگی امکان پذیر نیست. اگر کسی بخواهد با او دیدار کند، باید چند ماه قبل وقت بگیرد.

«علامه امینی» می‌گوید: من آدرس او را در بغداد پیدا کردم و از نجف به طرف بغداد حرکت کردم و در خانه «دکتر اعظمی» رفتم و در زدم. خادمی جلوی در آمد و وقتی قیافه یک عالم شیعی را پشت در نگاه کرد،

پرسید: فرمایشی دارید؟

من گفتم: می‌خواهم با آقای «دکتر اعظمی» دیداری داشته باشم. خادم تعجب کرد و به دکتر اعظمی گفت: یک
آخوند شیعه با لباس طلبگی آمده و می‌خواهد با شما دیدار کند!!

«دکتر اعظمی» قدری مکث کرد و به او گفت: او را راهنمایی کنید. من داخل رفتم و دیدم ایشان در اتاقی
نشسته و دو نفر از فرزنداناش که هر دو عالم و فرهیخته و استاد دانشگاه بودند، در کنار او نشستند.

ما بحث را شروع کردیم و من گفتم: من دارم در رابطه با امیرالمؤمنین کتاب «الغدیر» را می‌نویسم و تمامی
سروده‌های شیعه و سنی را در اینجا آوردم. من شنیدم شما تألیف و سروده‌ای در رابطه با امیرالمؤمنین دارید.
می‌توانم آن را ببینم؟

«دکتر اعظمی» گفت: من در طول عمرم سه موضوع را بررسی کردم؛ یکی از موضوعات حدیث: «علی مع الحق
والحق مع علی» است و کتاب مفصلی در این زمینه نوشته‌ام.

من حرف او را قطع کردم و گفتم: آقای «دکتر اعظمی» آیا این روایت «علی مع الحق والحق مع علی» تنها
درباره علی است و در حق هیچ صحابه‌ای نیست؟ او گفت: آری!

من گفتم: آیا اشتباه نمی‌کنید؟ او گفت: خیر! من چندین مصادرا نقل کردند که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

« إِنَّ عَمَارًا مَعَ الْحَقِّ، وَالْحَقُّ مَعَهُ يَدُورُ ، عَمَارٌ مَعَ الْحَقِّ أَيُّمَا دَارَ »

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري، دار النشر: دار صادر

- بيروت؛ ج ۳، ص ۲۶۲

وقتی من مصادرا را گفتم، بلند شد و چند کتاب آورد و گفت: درست است. دیدم خیلی ناراحت و متأثر شد و
گفت: ای شیخ! یک سوم عمر مرا با این جمله به باد دادی! من تصور می‌کردم این روایت تنها در حق
امیرالمؤمنین است.

من گفتم: آقای «دکتر اعظمی» من به این انتخاب تو تبریک و مرحبا می‌گویم. او گفت: چه مرحبا و بارک
اللهی؟! من گفتم به قول معروف:

میان ماه من تا ماه گردون

تفاوت از زمین تا آسمان است!

پیغمبر اکرم درباره علی بن ابی طالب و «عمار بن یاسر» این مطلب را فرموده است، اما سخن پیغمبر اکرم
درباره علی بن ابی طالب چیزی است و درباره «عمار» چیز دیگری است! حضرت در مورد «عمار» می‌فرماید:

« إِنَّ عَمَارًا مَعَ الْحَقِّ ، وَالْحَقُّ مَعَهُ يَدُورُ ، عَمَارٌ مَعَ الْحَقِّ أَيْنَمَا دَارَ »

عمار با حق است و حق با عمار است. عمار همواره گرداگرد حق می‌چرخد و هرکجا حق باشد، عمار
همانجا می‌رود.

حال در مورد علی بن ابی طالب خلاف این قضیه است و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)
می‌فرماید:

«إِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَ أَنْ الْحَقِّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثَمَا دَارَ»

علی با حق است و حق با علی است. حق همواره گرداگرد علی می‌چرخد.

«عمار» گرداگرد حق می‌چرخد، اما حق گرداگرد علی بن ابی طالب می‌چرخد! وقتی این جمله را گفتم، او از
خوشحالی چشمانش برق زد و به فرزندان خود گفت: برای چنین جمله‌ای باید ایستاد و چنین تحلیلی را تبریک
گفت!

لذا وقتی حضرت سیدالشهداء می‌فرماید:

«**والحق فینا وبالحق تنطق ألسنتنا**»

مراد این است که حق تنها در دودمان ماست و اگر کسی بخواهد سراغ حق برود، باید گرداگرد ما بچرخد. اگر «عمار» با حق است، افتخارش این است که گرداگرد علی بن ابی طالب می‌چرخد که ملاک و معیار حق است.

عامل هفتم: خلافت آل ابی سفیان بر جامعه اسلامی

نکته دیگر که امام حسین (علیه السلام) در این خطبه دارد، این است که می‌فرماید:

«**وقد سمعت رسول الله يقول: الخلافة محرمة على آل أبي سفیان وعلى الطلقاء أبناء الطلقاء، فإذا رأیتم**

معاوية علی منبري فافقروا بطنه»

از پیغمبر اکرم شنیدم که فرمود: خلافت بر دودمان آل ابی سفیان و طلقاء و فرزندان طلقاء حرام است.

الفتوح؛ أحمد بن أعثم الكوفی، تحقیق: علی شیری، چاپ: الأولى، سال چاپ: ۱۴۱۱، ناشر: دار الأضواء

للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۵، ص ۱۷، باب ذکر الكتاب إلى أهل البيعة بأخذ البيعة

مراد از «الطلاق» امثال ابوسفیان و معاویه هستند که در مکه مستحق قتل و اعدام بودند، به خاطر جنایتی که در طول بیست و یک سال علیه اسلام کرده بودند. آن‌ها در سال هشتم هجری زیر شمشیرهای بزّان سربازان اسلام تسلیم شدند.

دیشب اشاره کردم حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نامه ۱۶ «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«**فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنِ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا عَلَيْهِ**

أَظْهَرُوهُ»

قسم به خدایی که دانه را شکافت کسانی که در فتح مکه مسلمان شدند، مسلمان نشدند و تنها کفر خود را مخفی کردند.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ

۱۶

این افراد همگی مستحق قتل بودند و منتظر بودند تا پیغمبر اکرم به خاطر جنایاتی که در طول این بیست و یک سال، مخصوصاً هشت سال از سال دوم هجری در جنگ بدر و احد و احزاب انجام دادند، تمام آنها را از دم شمشیر بگذرانند. پیغمبر اکرم فرمود:

« اذهبوا فأنتم الطلقاء »

همه شما آزاد شده هستید.

سنن البیهقی الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البیهقی، دار النشر:

مکتبة دار الباز - مكة المكرمة - ۱۴۱۴ - ۱۹۹۴، تحقیق: محمد عبد القادر عطا؛ ج ۹، ص ۱۱۸، ح ۱۸۰۵۵

لذا امام حسین می فرماید: خلافت بر طلقاء و فرزندان طلقاء حرام است. یکی از مشکلات عصر امام حسین این است که طلقاء و فرزندان طلقاء که در فتح مکه آزاد شده پیغمبر اکرم بودند، بر مسند خلافت نشستند.

در جامعه‌ای که خلافت‌ها خلافت غاصبانه است و حکومت ناجوانمردانه است، کشتن امام حسین یک مسئله عادی و ساده است.

تذکر ماندگار و عجیب امام حسین در روز عاشورا

نکته دیگر عبارتی است که «تاریخ طبری» جلد سوم صفحه ۳۱۹ دارد. البته من هرچه از «تاریخ طبری» نقل می‌کنم، از نسخه چاپ «مؤسسه علمی بیروت» نقل می‌کنم که تقریباً أغلاط آن کمتر از دیگر چاپ‌هاست.

ایشان می‌گوید: امام حسین در روز عاشورا خطاب به سپاهیان چند جمله فرمود. این جملات قابل دقت است و تک تک این جملات می‌تواند نقطه آغاز تحقیق و پژوهش برای ما باشد و ریشه‌های عاشورا و علل شهادت امام حسین را روشن کند.

این جملات می‌تواند اهداف امام حسین از آمدن به کربلا و نتیجه قیام امام حسین را کاملاً برای ما روشن کند. حضرت می‌فرماید:

«ألسنت ابن بنت نبیکم»

آیا من فرزند دختر پیغمبر شما نیستم؟

«وابن وصیه»

آیا من فرزند وصی پیغمبر اکرم نیستم؟

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت،

ج ۳، ص ۳۱۹، باب ذکر الخبر عما کان فیها من الأحداث

این جمله بسیار مهم است. امام حسین در روز عاشورا و در آن بحبوحه بحث امیرالمؤمنین و وصایت علی را برای مردم مطرح می‌فرماید.

امام حسین نمی‌فرماید که من فرزند علی بن ابی طالب هستم، بلکه می‌فرماید: من فرزند وصی پیغمبر اکرم هستم. من فرزند خلیفه پیغمبر اکرم هستم. من فرزند امام منصوب از طرف پیغمبر اکرم هستم.

متأسفانه بعضی از سلفی‌ها همانند «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «البدایة و النهایة» وقتی خطبه امام حسین را نقل می‌کند همه خطبه را آورده است، اما عبارت «وابن وصیه» را حذف کرده است!!

اگر بنا باشد قضیه وصایت امیرالمؤمنین مطرح شود، امام حسین می‌فرماید: من فرزند وصی و خلیفه و امام منصوب از طرف پیغمبر اکرم هستم. فرمایش امام حسین به این معناست که حکومت‌های جائرانه‌ای که یزید و قبل از او دارد، تماماً بر باطل و غاصبانه و ظالمانه است.

لعن «یزید» حرام است زیرا همه مقدسات ما را به باد میدهد!!

تعبیری از «تفتازانی» یکی از قهرمانان علم کلام اهل سنت وارد شده است. ایشان وقتی در رابطه با لعن یزید بن معاویه مطالبی را مطرح می‌کند، می‌گوید: جنایاتی که یزید بن معاویه مرتکب شد مستحق بالاتر از لعن است.

حرف او بدان معناست که اگر چیزی بالاتر از لعن باشد یزید مستحق اوست، اما ما لعن یزید را حرام می‌دانیم:

«أن یرتقی إلی الأعلى فالأعلى»

زیرا ما می‌ترسیم لعن او به دیگران هم سرایت کند.

شرح المقاصد فی علم الکلام، اسم المؤلف: سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازانی، دار

النشر: دار المعارف النعمانیة - پاکستان - ۱۴۰۱ هـ - ۱۹۸۱ م، الطبعة: الأولى، ج ۲، ص ۳۰۷، باب بسم

الله الرحمن الرحيم

خیلی عجیب است! به قول او ما می‌ترسیم لعن یزید آغاز یک مسئله و پروژه‌ای باشد که لعن‌ها به دیگران هم سرایت کند! یزید را معاویه سرکار آورد و خود او توسط افراد بالاتر روی کار آمد.

مراد «تفتازانی» این است که اگر او را لعن کنیم، همه معتقدات و مقدسات ما زیر سؤال می‌رود. بنابراین ما لعن یزید را خلاف شرع و حرام می‌دانیم؛ نه به خاطر خود او، بلکه به خاطر اینکه لعن به بالاتر از او سرایت نکند!!

بنابر این حضرت سیدالشهداء در این خطبه می‌فرماید که من فرزند وصی پیغمبر شما هستم. شما کسی را به قتل می‌رسانید که پیغمبر و رسول شما و کسی که به او ایمان آوردید و هر روز در نمازها و اقامه شهادت به رسالت او می‌دهید، پدر من را وصی قرار داده است.

نکته‌ای هم به ذهنم آمد که اجازه بدهید آن را هم عرض کنم. ایام، ایام برگشت اهل بیت از شام به طرف مدینه است. این جمله‌ای مشهور است که از حضرت زین العابدین سؤال می‌کنند: یابن رسول الله! کدام یک از مصائب برای شما گران بود؟ حضرت سه مرتبه فرمود: الشام، الشام، الشام.

وقتی امام سجاد با اهل بیت وارد شام شدند، یکی از آقازاده‌ها به نام «عبدالله بن طلحه» که به قول معروف در تاریخ همواره از رانت استفاده می‌کردند، جلو آمد. «طلحه» کسی است که آتش جنگ جمل با تحریکات او شعله‌ور شد.

«عبدالله بن طلحه» به جای آنکه یزید و یزیدیان را مذمت کند و نسبت به اهل بیت پیغمبر اکرم تسلیت بگوید و دل‌داری بدهد، وقتی چشمش به امام سجاد افتاد، گفت: چه کسی پیروز شد؟ بنی هاشم پیروز شد یا بنی سفیان؟ حسین بن علی یا یزید بن معاویه؟

امام سجاد سر خود را بلند کرد و فرمود: اگر می‌خواهی بدانی چه کسی پیروز است، موقع نماز ظهر اذان و اقامه بگو تا بدانی پیروز چه کسی است؟! در اذان و اقامه شهادت به رسالت ابوسفیان و یزید می‌دهید یا شهادت به رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)؟ ای «عبدالله بن طلحه» اگر می‌خواهی بدانی چه کسی پیروز است، موقع نماز مشخص است!

لذا یکی از مسائل اساسی که حضرت سیدالشهدا در اینجا مطرح می‌فرماید، همین موضوع است.

این یک طرف قضیه است. گرچه ما عبارتهای زیادی در این زمینه داریم که می‌تواند ریشه‌های عاشورا را خوب روشن کند، اما بنده به همین اندازه به سخنان امام حسین اکتفا می‌کنم.

عامل هشتم: انتقام از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

اجازه می‌خواهم در این چند دقیقه‌ای که فرصت باقیست، ببینیم دشمنان امام حسین که در کربلا آمدند با چه انگیزه و هدف و عقیده‌ای آمدند. بنده بازهم به کتب شیعه کاری ندارم، بلکه از کتب اهل سنت چند نکته‌ای را مطرح می‌کنم.

«قندوزی» حنفی مذهب کتابی به نام «ینابیع المودة» دارد که در جلد سه صفحه ۸۰ می‌نویسد: حضرت سیدالشهدا در آخرین لحظات عاشورا همه عزیزان خود از جمله حضرت ابوالفضل، حضرت علی اکبر، حضرت قاسم و حضرت علی اصغر را از دست داده است.

حضرت در آن لحظه هم می‌خواهد اتمام حجت کند تا شاید یک نفر از آنها اصلاح شوند. البته در «تاریخ طبری» وارد شده است کسی به امام حسین جسارت کرد و گفت: آتش جهنم بر تو بشارت باد!

امام حسین او را نفرین فرمودند. او که روی اسب بود، اسب رمید و او را با سر به زمین کوبید و مغزش متلاشی شد و به درک رفت!

تعدادی از سپاهیان عمر بن سعد که در صف مقدم بودند و این منظره را دیدند، به صف‌های عقب برگشتند و از جنگ مستقیم با امام حسین صرف‌نظر کردند. امام حسین در آن حال حتی برای نجات تک تک افراد هم فکر می‌کنند. حضرت می‌فرماید:

«یا ویلکم أتقتلونی علی سنة بدلتها؟»

ای کسانی که می‌خواهید مرا بکشید، آیا سنتی از سنت‌های الهی را تغییر دادم؟

«أم علی شریعة غیرتها؟»

آیا شریعت پیغمبر اکرم را جابه‌جا کردم؟

«أم علی جرم فعلته؟»

آیا جرمی مرتکب شدم که مستحق قتل هستم؟

«أم علی حق ترکته؟»

آیا حقی را ترک کردم؟

می‌دانید سپاهیان عمر بن سعد چه گفتند؟ آن‌ها بعد از این جملات گفتند:

«فقالوا له: إنا نقتلك بغضا لأبيک»

تعداد زیادی از آنها گفتند: ما به خاطر بغض و عداوتی که از پدرت داریم با تو می‌جنگیم.

ینابیع المودة لذوی القربی؛ القندوزی، تحقیق: سید علی جمال أشرف الحسینی، چاپ: الأولى، سال

چاپ: ۱۴۱۶، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر، ج ۳، ص ۸۰، باب مقتل الحسین (ع)

یعنی در حقیقت آن‌ها انتقام علی بن ابی طالب را از حسین و فرزندان‌ش گرفتند!!

«ابن ابی الحدید معتزلی» تعبیر بسیار زیبایی دارد. او می‌نویسد روزی علی بن ابی طالب در خطبه‌های خود

فرمود:

«ما لی و لقریش»

قریش از جان من چه می‌خواهند؟

خانه‌ام را آتش زدند. همسرم را شهید کردند. خودم را خانه‌نشین کردند. اگر من با آنها جنگیدم؛

«إِنَّمَا وَتَرْتَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَمْرِ رَسُولِهِ»

اگر من با آنها جنگیدم، به امر خدا و رسولش بود.

اگر با قریش در بدر و احد و احزاب مبارزه کردم، به دستور خداوند و پیغمبر اکرم بود.

«أَفْهَذَا جَزَاءُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»

آیا پاداش کسی که از خدا و پیغمبر اکرم اطاعت کند این است؟

شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد، نویسنده: ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق / مصحح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۲۰، ص ۳۲۸، ح ۷۶۴

البته ایشان نکته بسیار مهمی در جلد ۲۰ صفحه ۲۹۸ می‌نویسد و آن این است که حضرت می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قَرِيْشٍ»

خدایا تو مرا در برابر توطئه قریش یاری کن.

عزیزان به این جمله امیرالمؤمنین دقت کنند، زیرا بسیاری از مسائل روشن می‌شود. بسیاری از انحرافات که

بعد از رسول اکرم انجام شد که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه ۱۵۰ «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُوْلَهُ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

البته این تنها سخن امیرالمؤمنین نیست، بلکه در کتاب «صحيح بخارى» جلد پنجم صفحه ۲۴۰۷ حدیث ۶۲۱۵

وارد شده است که فردای قیامت صحابه کنار حوض می‌آیند و ملائکه صحابه را از کنار حوض رد می‌کنند. رسول

اکرم می‌فرماید: اصحاب مرا کجا می‌برید؟ ملائکه می‌گویند:

«إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ»

آن‌ها را به سوی آتش می‌بریم.

«قُلْتُ مَا شَأْنُهُمْ»

پیغمبر اکرم می‌فرماید: مگر چه گناهی مرتکب شدند؟

«قَالَ إِنَّهُمْ ازْتَدُّوا بَعْدَكَ عَلَى أَذْبَارِهِمُ الْقَهْقَرَى»

ملائکه عرضه می‌دارند: آن‌ها بعد از تو به دوران جاهلیت برگشتند.

ملائکه دسته دوم و سوم را همینطور به طرف آتش جهنم می‌آورند. پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلُ هَمَلِ النَّعَمِ»

از اصحاب من از آتش جهنم جز تعداد اندکی خلاصی پیدا نمی‌کند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص

٢٤٠٧، ح ٦٢١٥

بسیاری از علمای اهل سنت مثل «مالک» می‌گویند: ای کاش محدثین و علمای ما «حدیث حوض» و «حدیث

قرطاس» را در کتب خود نیاورده بودند، زیرا برای ما در دسر درست شده است. هرچه آبرو و حیثیت برای

صحابه تراشیدیم، این دو روایت آنها را بر باد داد!!

لذا امیرالمؤمنین در خطبه ١٥٠ می‌فرماید:

«حَتَّى إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ ص رَجَعَ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْقَابِ»

تا جایی که می‌فرماید:

«عَلَى سُنَّةٍ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۲۰۹، خ

۱۵۰

اینجا به خط قرمز نزدیک می‌شویم و به همین خاطر آن را توضیح نمی‌دهم.

ذکر مصیبت حضرت علی اصغر (سلام الله علیه)

«ابن ابی الحدید» در جلد ۲۰ صفحه ۲۹۸ می‌گوید:

«اللهم إني أستعديك على قريش»

مشاهده کنید در ادامه می‌نویسد:

«فإنهم أضمروا لرسولك ضروبا من الشر و الغدر»

زیرا قریش می‌خواستند پیغمبرِ تو را بکشند و نابود کنند.

بالاترین هدف قریش قتل پیغمبر اکرم بوده است!

«و حلت بينهم و بينها»

خدایا تو پیغمبرت را از شرّ قریش حفظ کردی.

«فكانت الوجبة بي و الدائرة على»

سپس انتقام پیغمبرت را از من گرفتند.

به خانه من حمله کردند و خانه‌ام را آتش زدند. همسرم را بین در و دیوار قرار دادند، پهلوی او را شکستند و سینه‌اش را مجروح کردند. مرا خانه نشین کردند. امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دست خود را بلند می‌کند و می‌فرماید:

«اللهم احفظ حسنا و حسينا»

خدایا حسن و حسینم را از شرّ قریش حفظ کن.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله، محقق / مصحح:

ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۲۰، ص ۲۹۸، ح ۴۱۳

مشاهده کنید این افراد در عاشورا جنایتی مرتکب شدند که به تعبیر امام حسن مجتبی:

«لَا يَوْمَ كِيَوْمِك يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۴، ص ۸۶،

فصل فی مقتله ع

«ویل دورانت» مورخ آمریکایی و یهودی است و نه مسلمان است و نه مسیحی. او در کتاب «تاریخ تمدن» می‌گوید:

"سپاهیان یزید در کربلا شقاوت را به حد اعلی رساندند. اگر آنها عباس بن علی را کشتند، به خاطر این بود که شمشیر به دست داشت و تعدادی از آنها را کشته بود. اگر علی اکبر را کشتند، به خاطر این بود که تعدادی از آنها را کشته بود. آن‌ها نزد وجدان خود چه جوابی دارند که طفل شش ماهه را در بغل پدر با تیر کشتند. این عمل اوج شقاوت دودمان آل ابی سفیان است."

نمی‌دانم در قضیه حضرت علی اصغر چه اتفاقی افتاد که حتی در قضیه حضرت علی اکبر و حضرت قاسم و حضرت ابوالفضل العباس نبود. قلب امام حسین در شهادت حضرت علی اصغر چقدر سوخت و جگرش آتش گرفت. یک موقع ندایی بین آسمان و زمین پیچید:

«دعه یا حسین»

ای حسین خداوند به تو صبر دهد.

«فان له مرضعا فی الجنة»

ما برای فرزند شیرخوار تو دایه‌ای در بهشت قرار دادیم.

وقعة الطّف، نویسنده: ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، محقق / مصحح: یوسفی غروی، محمد هادی،

ص، پ ۴

على لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أى منقلب ينقلبون

خدایا به آبروی سرور آزادگان و دم مظلوم، تو را سوگند می‌دهیم. امام سجاد (علیه السلام) می‌فرماید: مراد از دم مظلوم در زیارتنامه‌ها خون گلوی حضرت علی اصغر است.

خدایا به قلب سوخته امام حسین و رباب تو را سوگند می‌دهیم فرج مولای ما حضرت بقية الله الأعظم را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید ما را موفق و مؤید بدار.

خدایا خیر دنیا و آخرت به همه ما ارزانی بدار. خدایا شرّ دنیا و آخرت را از ما دور بگردان. خدایا به آبروی حضرت محمد و آل محمد رفع گرفتاری از جمع ما بگردان.

خدایا به آبروی حضرت سیدالشهدا و اهل‌بیتش تو را سوگند می‌دهیم حوائج ما را برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلوات غرائی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته